

لبه تیز روابط فرا شرعی بر گلوی جامعه

فضای مجازی می‌توان به‌مراتب بیشتر و آسوده‌تر به این اقدامات دست زد، گو اینکه فرقی هم نمی‌کند این شخص یک مرد باشد یا زن زیرا وجود ناهنجاری‌های رفتاری و ابتلا به بیماری‌های روحی هم صرفاً مختص یک جنسیت نیست.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که بسیاری از دختران و پسران و حتی زنان و مردان متأهل به دلیل فضای آزادی که شبکه‌های اجتماعی در اختیارشان قرار می‌دهد به سهولت وارد روابط نامتعارفی می‌شوند اگرچه همه آن‌ها ابتدا این نوع رابطه‌ها را صرفاً یک نوع معاشرت ساده و یا سرگرمی تلقی می‌کنند؛ اما شکی وجود ندارد که در طولانی‌مدت اثرات مخربی را متوجه خود و کانون خانواده‌هایشان خواهند کرد.

در این خصوص، رفتارشناسان معتقدند که افراد سودجو در ابتدا به‌عنوان هم‌دردی با افراد مختلف وارد گفت‌وگو می‌شوند اما رفته‌رفته، صمیمت روابط افزایش‌یافته و دامنه آن گسترده می‌شود. روابطی که بدون هیچ‌گونه مانعی، رشد یافته و دامن‌گیر بسیاری از زندگی‌ها می‌شود و درواقع با به وجود آمدن یک اعتماد کاذب، یک رابطه غیر اخلاقی نیز خودبه‌خود شکل می‌گیرد که سرانجامی جز پشیمانی و فروپاشی زندگی افراد در بر ندارد.

البته در این موضوع فرقی هم ندارد که این رابطه مربوط به دو هم‌کار غیر هم‌جنس در یک اداره و کارگاه یا کارخانه باشد یا دو دانش‌آموز، دانشجو، همسایه و یا حتی افراد به‌ظاهر فرهیخته و مذهبی، زیرا امروزه به لطف گوشی‌های تلفن هوشمند و دسترسی آسان به اینترنت همراه، بیشتر افراد در هر موقعیت و جایگاه و یا شغل و محله می‌توانند معرض این آسیب قرار گیرند.

قدر مسلم در چنین فضاهایی است که این فرصت برای سودجویان و بیماردلان فراهم می‌کند تا با فریب افراد ساده‌اندیش، دست به کلاهبرداری‌های مالی و اخادی و یا سوءاستفاده‌های اخلاقی بزنند، چراکه می‌دانند بسیاری از این روابط قابل پیگیری نبوده و یا فرد آسیب‌دیده به دلیل درگیری‌های عاطفی یا به دلیل حفظ آبروی خود اقدام به پیگیری نمی‌کند.

در این خصوص لازم به ذکر است که یادآور شویم همان‌گونه که شرع مقدس هرگونه اختلاط و ارتباط و یا خلوت حضوری غیر محارم را امری مفسده برانگیز تلقی کرده و عقلاً و مؤمنین را از آن بازمی‌دارد درعین‌حال بسیاری از مراجع عظام و تقلید زبینه مؤمن عاقل و خانم باحیا و باعفت نیست زیرا ادامه این عمل یقیناً به‌تدریج در آینده با مدیریت نفس اماره و شیطان موجب گرایش و آلودگی به گناه می‌شود چنانکه خداموند در قرآن می‌فرماید: «لا تتبعوا خطوات الشیطان» یعنی از قدم‌های شیطان (که می‌کوشد تا زمینه گناه را فراهم آورد) تبعیت نکنید.

بسیاری از دختران و یا حتی زنان متأهل وجود چنین روابطی را نشانه‌ای از روشنفکری و آزاداندیشی دانسته و یا آن را پیش‌قدمه امر مهمی بنام ازدواج قلمداد می‌کنند پس ناگزیر نباید انتظار چیزی غیر از شرایط موجود را داشت.

البته عمده صاحب‌نظران معتقدند که اگر جوانی واقعاً قصد ازدواج داشته و به دنبال تشکیل خانواده باشد، پس طبیعتاً اصرار به پنهان‌کاری در ارتباط امری بی‌معناست؛ زیرا اگر رابطه و تداوم آن زیر نظر خانواده‌ها و با کسب مشاوره از افراد ذی‌صلاح انجام شود، بی‌شک از هرگونه تبعات ناخوشایند میرا خواهد بود.

و اما جنبه بسیار منفی این موضوع آنکه بر اساس تحقیقات، بیش از ۸۴ درصد پسران با قاطعیت اظهار می‌کنند که حتی با قصد قطعی ازدواج اما هرگز بسا این‌گونه دختران ازدواج نخواهند کرد، زیرا به نجابت و پاکدامنی آن‌ها به‌هیچ‌وجه اعتماد ندارند و معتقدند که این‌گونه دخترانی که به‌آسانی با آن‌ها رابطه دوستی برقرار کرده‌اند، قطعاً می‌توانند با هر کس دیگری نیز دوست شوند!

بر اساس این تحقیقات، بسیاری از افراد پیش از آغاز رابطه با غیر هم‌جنس خود، فردی پایبند به چارچوب‌های اخلاقی و متعهد بوده‌اند که درگیر شدن در این نوع روابط پس از گذشت یک دوره، زمینه‌ساز بروز انحراف‌های اخلاقی در آن‌ها شده‌است؛ البته بروز انحراف اخلاقی برای هر فردی می‌تواند به یک نوع معنا شود و بستگی به چارچوب‌های اخلاقی تعریف‌شده و خط قرمزهای اخلاقی هر فرد دارد؛ اما درنهایت باید پذیرفت که حتی افراد به‌ظاهر موجه و معتقد و حتی ارزشی هم به دلیل داشتن چنین روابطی گو اینکه به‌نام هم‌کار و یا اشتراک در حوزه فعالیت‌های دینی، علمی، اقتصادی و غیره، نمی‌توانند از چنین تهدیداتی در امان باشند.

درواقع وجود بهانه‌هایی مانند داشتن شخصیت خاص، مراقبه نفس، تصور میرا بودن از اشتباه و یا حتی فرق داشتن نوع ارتباط، اعتمادبه‌نفس کاذب و غیره، نمی‌تواند مجوز و یا بهانه‌ای قابل قبول برای وجود چنین ارتباط‌هایی باشد چراکه امروزه وجود برخی پرونده‌های قضائی مربوط به اشخاص اسمورسمدار در این‌گونه موضوعات قطعاً دلیل محکمی بر این ادعااست.

■ **فراکتنی به نام فضای مجازی**
اگرچه وجود ارتباط میان دو جنس مخالف امری مسبقو به سابقه بوده و مختص حلال و امروز ما نیست، اما روند رو به رشد چنین روابطی قطعاً این سؤال را مطرح می‌کند که به‌راستی چه چیز باعث شده که این مسئله از یک‌خرده ناهنجاری به یک بحران حاد و نگران‌کننده تغییر وضعیت پیدا کند؟ بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که جدا از قیافه‌های تمایل و غرایز فردی، اما امروزه به دلیل گسترش ارتباطات مجازی، شکل‌گیری روابط دوستانه و عاشقانه نسبت به گذشته هم ساده‌تر و هم وسیع‌تر شده چراکه با توجه به امکان اختفای شخصیت واقعی افراد در پس پرده‌ها و لافاه‌های



بسیاری از کارشناسان، ارتباط‌های نامتعارف بین دختران و پسران را زمینه اصلی سوء استفاده و تجاوزات جنسی می‌دانند؛ و این مسئله آن‌چنان حساس است که چندی پیش رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی ناجا در گفت‌وگو با خبرنگاران با هشدار

نسبت به تعرض و سوء استفاده از زنان و دوشیزگان در قالب دوستی‌های خیابانی و پیشنهاد ازدواج، اعلام کرد که آسیب‌ها در روابط خیابانی و اینترنتی بیشتر متوجه خانم‌ها به‌ویژه دوشیزگان است؛ چراکه این روابط معمولاً به بهانه آشنایی قبل از ازدواج صورت می‌گیرد و متأسفانه درصد بالایی از بانوانی که مورد سوء استفاده و تعرض قرارگرفته‌اند با همین بهانه ایجاد رابطه برای آشنایی قبل از ازدواج بوده‌است و تأسفیب‌تر آنکه اغلب این بانوان نیز دوشیزه بوده‌اند زیرا این افراد معمولاً هنگام برقراری دوستی، روابط خیابانی یا اینترنتی، پنهان‌کاری کرده و خانواده را در جریان دوستی‌ها و رفت‌وآمدهایشان قرار نمی‌دهند که با این توصیف، دوستی‌های دختران و پسران کم شباهت به دوستی موش و گربه نیست.

■ **روایت چوب دوسر سوخته...**
هرچند بسیاری بر این عقیده‌اند که اغلب، پسران هستند که آغازگر این‌گونه روابطند اما نباید از این واقعیت نیز غافل بود که اگر در صورت دریافت چنین پیشنهادی، زن یا دختر مورد خطاب، مقاومت کرده و یا خویشتن‌داری و نیز واکنش به‌موقع در مقابله معقول بسا چنین درخواستی برآید قطعاً چنین ارتباطی شکل نخواهد گرفت باین‌حال امروزه

افراد از ترس آبرو به پلیس مراجعه نمی‌کنند و به همین دلیل متعرض همچنان به اعمال مجرمانه خود ادامه می‌دهند.

درواقع وقتی مردان و یا پسران جوان در جستجوی لذت‌های جنسی خود با وعده‌های فریبنده و دروغین، دختران جوان و زنان را تسلیم خواسته‌های خود می‌کنند این زنان و دختران هستند که دچار آسیب روانی شده و احساس افسردگی، پوچی و بی‌ارزشی می‌کنند، بنابراین طبیعی است که اگر یک دختر و یا زن، چنین دوستی‌هایی را تجربه کند تا پایان عمر، شأن و حرمت خود را از دیدگاه خانواده و جامعه از دست‌داده و تا مدت‌های مدیدی برچسب ناشایست بودن را با خود حمل می‌کند و آثار سوء این تجربه منفی مثل سایه سال‌ها به دنبال او خواهد بود.

نتایج برخی دیگر از تحقیقات نشان می‌دهد درحالی‌که مردان بدون هیچ‌گونه محدودیتی، تجربه‌های متنوع این دوستی‌ها را پشت سر می‌گذارند؛ اما سلب اعتماد و رفتن در یک انزوای اجتماعی، کمترین بسامد این روابط برای دختران خواهد بود و این در حالی است که بر اساس داده‌های قضائی، نەتنها بیشتر این زنان و دختران صدمه‌دیده از ترس آبرو، جرأت شکایت و یا پیگیری موضوع را نخواهند داشت بلکه به گفته کارشناسان انتظامی حتی در صورت مراجعه به مراکز قضائی و انتظامی نیز امکان پیگیری و شناسایی مجرمان هم بسیار مشکل خواهد بود زیرا مشخصات هویتی و آدرس بیشتر این افراد جعلی است.

غیر هم‌جنس را به‌نوعی در حکم محبوبیت، قدرت اجتماعی و عامل موفقیت محسوب کرده و سعی می‌کنند نیازهای جنسی و عاطفی خود را از این برطرف کنند درحالی‌که نوع نگاه دختران به این‌گونه روابط بیشتر در جهت تأیید جذابیت خود و درنهایت ازدواج است. درواقع دختران و زنان در ارتباط با جنس مخالف به دنبال یک رابطه عاشقانه، آرمانی و رمانتیک هستند درحالی‌که مردان و پسران غالباً به جنبه غریزی مسئله اهمیت می‌دهند.

به هر تقدیر آنچه دراین‌بین بسیار برجسته‌تر می‌نماید و نباید از آن غافل شد، موضوع تبعات وجود چنین ارتباط‌هایی است که بعدها و به اشکال و عناوین مختلف دامن‌گیر هر دو طرف می‌شود، زیرا بر اساس تجربه ثابت‌شده که متأسفانه عمده این روابط همان‌گونه که با طغیان هیجانات تند احساسی ناشی از شدت فعالیت غریزه جنسی به‌سرعت آغاز می‌شود در کوتاه‌مدت نیز خاتمه می‌یابد؛ چراکه از محبت و عشق به معنای واقعی کلمه خالی است. به اعتقاد آسیب‌شناسان اجتماعی، این‌گونه روابط فراقعلی، بدون محبت و عشق واقعی بوده و تنها بر اساس نیازهای غریزی و جنسی شکل می‌گیرد گو اینکه اگر این روابط به ازدواج هم منتهی شود قطعاً فاقد پشتوانه عشق، محبت و اعتماد واقعی و لازم برای ادامه زندگی مشترک است.

■ **بازی موش و گربه**
و اما بر اساس نتایج برخی تحقیقات صورت گرفته از سوی انجمن مددکاری علمی ایران و نیز اعلام کارشناسان انتظامی و قضائی، متأسفانه باید عنوان کرد که امروزه شاهد کاهش سنن ارتباط‌گیری با جنس مخالف در جامعه هستیم و درعین‌حال بالاترین نرخ فراوانی رابطه با جنس مخالف، بین سنین ۲۵-۳۰ سال‌ا صورت می‌گیرد که البته عمر زده می‌شود. درواقع ۹۰ درصد این ارتباط‌ها در این دوستی‌ها نیز نهایتاً بین ۱ ماه تا دو سال تخمین زده می‌شود. درواقع ۹۰ درصد این ارتباط‌ها در کمترین زمان ممکن به‌صورت یک‌سویه و یا دوجانبه قطع می‌شود!

همچنین در این میان افراد مجرد نسبت به افراد متأهل دارای بیشترین رابطه با جنس مخالف بوده، به‌طوری‌که برآورد می‌شود از کل مجموع افراد دارای رابطه، ۷۶ درصد مجرد و ۲۴ درصد افراد متأهل باشند.

و اما یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که کارشناسان در این‌مقاله بر سر آن تأکید دارند تبعات این‌گونه ارتباطات است زیرا دختران و پسرانی که به طریق غیر مشروع با فردی از جنس مخالف، رابطه دوستانه برقرار می‌کنند ممکن است از جهات مختلف، آسیب ببینند؛ آسیب‌هایی که هرچند متوجه دختر و پسر می‌شود، اما بی‌شک دامنه و شدت آن در مورد دختران بیش‌تر خواهد بود.

به اذعان کارشناسان قضائی، این خسارت‌ها برای آقایان بیشتر در قالب اخاذی و مالباختگی و یا به چالش کشیدن زندگی خانوادگی مردان متأهل و برای خانم‌ها نیز به‌صورت تعرض و آزار و اذیت و بعضاً کلاهبرداری بروز می‌کند که البته در بیشتر موارد نیز

سپهرغرب، گروه خانواده - عباس سربیشی: روابط فراقعلی و شرعی بدون محبت و عشق واقعی بوده و تنها بر اساس نیازهای غریزی و جنسی شکل می‌گیرد.

بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران معتقدند باوجود اینکه دوستی و معاشرت‌های نامتعارف قبل از ازدواج در سنت، فرهنگ و مذهب ما منع شده اما واقعیت این است که نه‌فقط از گذشته‌های دور، بلکه به‌خصوص در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان (اعم از دختر یا پسر) به‌طور پنهانی و بدون رضایت والدینشان با جنس مخالف خود ارتباط برقرار می‌کنند و پا در مسیری پرمخاطره می‌گذارند.

گو اینکه به‌ظاهر، این نوع ارتباط‌گیری بیشتر به بهانه آشنایی و شناخت بهتر برای ازدواج صورت می‌گیرد، اما درواقع بر اساس آمارهای موجود تقریباً کمتر از ۱۰ درصد این نوع ارتباط‌ها به ازدواج ختم می‌شود و درعین‌حال در همان ۱۰ درصد نیز همیشه حرف‌و‌حیث‌های بسیاری وجود دارد چراکه طبق تحقیقات به‌عمل‌آمده تقریباً نرخ طلاق در این‌گونه ازدواج‌ها به‌مراتب بسیار بالاتر از بقیه وصلت‌هاست چرا...؟! زیرا این شیوه ازدواج معمولاً بدون شناخت و اندیشه قبلی و تقریباً بر اساس احساسات تند و زودگذر و چشمان بسته انجام می‌شود و اصطلاحاً مبنای اعتماد محکمی در بین دو طرف ندارد.

البته از منظر کارشناسان نباید سهم ورود و یا وزنه شکل‌گیری این‌گونه روابط را نیز به‌صورت غیرمنصفانه به گفه یکی از دو طرف انداخت و چشم‌پسته یک جنسیت را مقصر تام و تمام جلوه داد چراکه بر اساس منطق، هر دو طرف این رابطه به‌اندازه خود مقصر و شریک جرم هستند.

باین‌حال توجه به این نکته بسیار ضروری است که در این‌گونه روابط که عموماً نیز بدون شناخت واقعی جنس مخالف و بر اساس هیجانات و احساسات سطحی و زودگذر شکل‌گرفته و حاصل بسیاری از آن‌ها بروز رفتارهای نادرست و روابط نامشروع است، بازنده اصلی و همیشگی غالباً دختران جوان و حتی زنانی هستند که به هر علت تن به این روابط می‌دهند.

و اما اینکه اصلاً چرا این‌گونه ارتباط‌ها شکل می‌گیرد سؤالی است که برای آن پاسخ‌ها گوناگونی وجود دارد، باین‌حال بسیاری از رفتارشناسان معتقدند که یکی از مهم‌ترین علل برقراری رابطه خارج از عرف، میان دو جنس مخالف، ارضای نیازهای جنسی و عاطفی است و در عین حال کمرنگ شدن ارزش‌ها، اعتقادات و نقش والدین در میان جوانان، تأمین نشدن نیازهای عاطفی، استفاده از برنامه‌های ماهواره، گسترش حضور در شبکه‌های اجتماعی، فشار روانی دوستان و قدرت و احساس مردانگی و یا زنانگی، بالا رفتن سن ازدواج از دلایل دیگر بروز این ناهنجاری محسوب می‌شود که نباید از آن‌ها نیز غافل بود.

البته در نوع نگاه پسران و دختران به چنین روابطی نیز نظریات گوناگونی وجود دارد اما غالب صاحب‌نظران معتقدند که پسران داشتن دوست

جوانی را حفظ کن، پیری خود را حفظ می‌کند

عفت و اعتدال را رعایت کرده و درنتیجه؛ قوای خود را برای دوره پیری ذخیره کرده، اما دومی در صرف قوای خود اسراف و افراط کرده و ذخایر جسمی و روحی خود را از دست داده‌است.

تو ای جوان! در فصل جوانی، نسپروی طبیعی خود را حفظ کن، این نیروی سرشار خداداد را نگهدار که ذخیره دوران پیری و توشه ناتوانی است، در خرج کردن قوای جوانی مقتصد باش؛ و گمان مکن که این نیرو و نشاط چشمه‌ای است که همیشه خواهد جوشید؛ نه، دوران جوشش این منبع سرشار، محدود است و اگر افراط و اسراف کنی زود به پایان خواهد رسید آن‌وقت پشیمان خواهی شد و پشیمانی چه نتیجه‌ای خواهد بخشید؟

■ **جوانا! نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر**

جوانی خود را حفظ کن گرچه در ابتدای امر با دشواری‌هایی مواجه خواهی شد همین‌قدر بدان اگر نیروی سرشار را در فصل جوانی صرف کنی در دوران پیری بی‌توشه و برگ خواهی ماند. در نگهداری این قوه یعنی قوه جوانی دست به دامن تقوی بزن و گشتار حکیمانه پروردگار متعال را در نظر بگیر «و خیر-الزاد التقوی» یعنی بهترین توشه‌ها تقوی است.

سپهرغرب، گروه خانواده: رمز اصلی و علت اساسی این مطلب این است که اولی در دوران جوانی موازین عفت و اعتدال را رعایت کرده و درنتیجه؛ قوای خود را برای دوره پیری ذخیره کرده، اما دومی در صرف قوای خود اسراف و افراط کرده و ذخایر جسمی و روحی خود را از دست داده‌است.

پیرمردی را می‌بینیم با اینکه موی سرش سفید شده، دندان‌هایش ریخته و چشم‌هایش در حلقه چشم فرورفته، دارای بنیه سالم و مزاج معتدلی است؛ قاتمش کشیده و چشم‌هایش برق می‌زند، نیرو و نشاط خود را از دست نداده و به فعالیت‌های دوره جوانی همچنان ادامه می‌دهد.

به‌عکس جوانی را می‌بینیم با اینکه هنوز در فصل جوانی است؛ آثار پیری و شکستگی در قیافه‌اش نمودار است، با اینکه باید فعالیت‌های نشاط‌آمیز داشته باشد اما از مقداری راه رفتن اظهار خستگی می‌کند؛ نوعاً از کارهایی که به او واگستار می‌شود شانه خالی می‌کند. اگر احیاناً کاری را انجام دهد زود ملول و خسته می‌شود.

علت این تفاوت چیست؟ و از کجا سرچشمه گرفته‌است.

آری، رمز اصلی و علت اساسی این مطلب این است که اولی در دوران جوانی موازین

بخشید؟

انسان از سن پانزده‌سالگی تا سی‌سالگی باید جداً هشیار باشد زیرا این موقعیت سن بسیار حساسی است، در این موقع اگر مواظبت شود نیروی جوانی حفظ خواهد شد و با صحت و عافیت عمر خود را به پایان خواهد رسانید، اما به‌عکس اگر اسراف و تضييع کرد برای همیشه خود را از زندگی خسته و فرسوده کرده‌است.

چیزی که باعث نوشتن این مقاله شد این است که جوانانی را می‌بینم که غرق گرمی‌های عالم جوانی هستند. شب‌ها را به بیداری می‌گذرانند؛ در کارهای مستگین و صرف نیروهای جوانی رعایت اعتدال نمی‌کنند.

جوانان بسیاری بر این عقیده‌ایم که در آغاز جوانی، از قیافه انسان آثار عظمت و حدیث نمودار بوده، فعالیت مداوم و خستگی‌ناپذیر آن‌ها از آینده درخشانی نوید می‌داد اما دیری نگذشت که میزان اعتدال را از دست دادند، سرانجام به‌زودی یا طومار عمرشان درهم‌پیچیده شد، یا گرفتار بستر مرض شدند.

«جوانی را حفظ کن که پیری خود را حفظ خواهد کرد» زیرا از طرفی احساسات ضعیف‌تر و از طرف دیگر عقل بر قوا مسلط می‌شود؛ عقل فرمانروایی است نگهبان، نگهبانی است فرمانروا.

منبع: «درس‌هایی از مکتب اسلام» آبان ۱۳۳۹، سال دوم - شماره ۱۰